

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین یوم ویر زنده بک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

چشمک چرانی



حاجی. ما ، دایماً ، چشمک چرانی می‌کنه
شست و سه ساله شده یاد جوانی می‌کنه
گرچه با مردان نشسته هوش و فکرش بر زنان
ورد خوانده ، خوبرویان را نشانی می‌کنه
نوجوانان را بغل می‌گیره با ماچ و ملوچ
خوشگلان را بوسه های ناگهانی می‌کنه
گاهی چون مرغان تخمی می‌کنه قند قند قند
چون بگیل. بونده ، نامهربانی می‌کنه
گوشه ای بنشسته با حاجی و خارنوال. خود
ساجقی را می جوّه ، کج کج دهانی می‌کنه
خپ خپک داره نظر ، بر صحنه میدان رقص
شانه هایش می پره ، کاغذ پرانی می‌کنه
پر ز میوه کرده بشقاب بزرگی ، بر دو دست
سوز داده می بره ، نامیزبانی می‌کنه

عکسِ زیبائی گرفتم ، از جنابش ناگهان
تا به سایتِ انترنت ، پرتو فشانی میکنه
تارِ خامِ چیلکش را چنگکِ ما کنده کرد
بی گِره با مکر ، پیوندِ زبانی میکنه
میگه من از صنفِ سه و چار ، کردم شاعری
روز و شب طبعم ز خوبان ، پشتیبانی میکنه
دایماً ، نژدِ پولیس و سوسیال و داکتر
گلرخان را چشمِ شوخش ، ترجمانی میکنه
حال ، بیکار است و پشتِ کار میگرده چنان
هرچه پیش آمد به شوق و ذوق ، آنی میکنه
مرده شوئی پیشه داره ، ختنه کردن آرزو
گر موفق گشت ، کارِ جاودانی میکنه
گر شود پنجرِ غراضه موترش با خارِ عشق
شکر گفته هر طرف ، لولکِ دوانی میکنه
انتقادی کرده بر ما ، تلخ و تند و بی نمک
با دروغِ شاخدارش ، دل کفانی میکنه
گفت ! در برنامه ای که ، خانواده نام او
آرزو دارد که با من ، پهلوانی میکنه
ما که نامحرم شدیم از محرمیِ گلرخان
محرمِ کاذب ، خیالِ کامرانی میکنه
چون زلیخا ، بس تجاوزگر شده بر عاجزان
یوسفِ طبع مرا ، دامن درانی میکنه
همچو لیلی میفروشه ناز بر مجنون ها
کاروانِ نقدِ شانرا ، ساربانی میکنه
از بُنِ هر نکته اش خارِ جفا و بغض و کین
نیشِ توهینی به دل ، مردمِ خلانی میکنه
هتکِ حرمت کرده بی باکانه بهرِ انتقام
خوش ، دلِ دلداده ای ، مجنونِ ثانی میکنه
خطِ زدم از دفترِ خاطر نشان و نامِ شان
تا عذرخواهی ازین ، بیچاره فانی میکنه
نقد از حاجی و قاضی ، گرچه باشد نادرست
غولکِ تقدیرِ ما سنگدلِ پرانی میکنه
« نعمت » از زهرِ زبانِ شیخ و ملا برحذر
رنگِ زردِ شاعران را زعفرانی میکنه